

Gong and Saray, A Study of the Royal Collections of the Mongol Emperors and Ilkhanid Dynasty in the Thirteenth and Fourteenth Centuries AB

Shahin Garakani Dashteh^{1*} , Mohammad Mortezaei² 

1. PhD of Archaeology, Department of History and Archaeology, Faculty of Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Associate Professor, Department of Archaeology, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2021/09/05;
Accepted: 2021/10/31;
Published Online 2022/01/15

 [10.30699/athar.42.4.450](https://doi.org/10.30699/athar.42.4.450)

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Shahin Garakani Dashteh

PhD of Archaeology, Department of History and Archaeology, Faculty of Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email:

shaahin.dashteh@gmail.com

ABSTRACT

Saray is a common name in the dictionary of Iranian architecture that has been used in the historical texts of the Ilkhanate era to refer to the residential complexes of the patriarchs in Iran and the Mongol dynasty in China and Mongolia. The term Gong is also used in Yuan historical texts to refer to the residential complexes of the Mongol dynasty in China and Mongolia. The simultaneous use of these two words in Iranian and Chinese sources for two dynasties with common cultural roots, leads to theories about the existence of similarities and possible effects between them. This study tries to answer the questions based on the latest archaeological documents and historical sources. What are the characteristics of the royal collections of the Mongol khans in Mongolia and the Ilkhans in Iran? What are the similarities and differences between these two groups? The data of this article were collected by documentary methods, visual observation, and comparison of the obtained findings. Then the data were categorized by comparative studies between the Mongol dynasty's Gongs in China and Mongolia and the Ilkhanate dynasty's Sarays in Iran. The results of this study showed that the Mongol Gongs and Ilkhanate Sarays were similar to each other in terms of general structures and location in cities or outside the cities, and the only difference between them was in the way the buildings were arranged. Iranian Sarays were designed with four porches, and in Mongolian Gongs, the form of curran was used.

Keywords: Royal buildings, Seasonal settlements, Periodic settlements, Gong, Saray, Mongol Empire, Ilkhanid Dynasty

Copyright © 2022. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Garakani Dashteh, S., & Mortezaei, M. (2022). Gong and Saray, A Study of the Royal Collections of the Mongol Emperors and Ilkhanid Dynasty in the Thirteenth and Fourteenth Centuries AB. *Athar*, 42(4), 450-469.

مقاله پژوهشی

گونگ و سرای، بررسی مجموعه‌های سلطنتی امپراطوران مغول و ایلخانان در قرون هفتم و هشتم هـ.ق

شاهین گرکانی دشته^۱ , محمد مرتضایی^۲

۱. دکتری باستان‌شناسی، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. دانشیار، گروه باستان‌شناسی دوران اسلامی، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

خلاصه

اطلاعات مقاله

سرای، یک اسم عام در واژه‌نامه معماری ایران بوده که در متون تاریخی عهد ایلخانی برای اشاره به مجموعه‌های اقامتی ایلخانان در ایران و خانان مغول در چین و مغولستان استفاده شده است. گونگ نیز همچون سرای، یک اسم عام در واژه‌نامه معماری چینی است. از این واژه نیز در متون تاریخی عهد یوان، برای اشاره به مجموعه‌های اقامتی خانان مغول در چین و مغولستان استفاده شده است. استفاده هم‌زمان از این دو واژه در منابع ایرانی و چینی، برای دو دودمانی که دارای ریشه فرهنگی مشترک بوده‌اند، فرضیاتی را مبنی بر وجود مشابهت‌ها و تأثیرات احتمالی میان آن‌ها به ذهن متبادر می‌سازد. این پژوهش سعی دارد تا با اتکاء به آخرین مستندات باستان‌شناسی و منابع تاریخی، به این سؤالات پاسخ دهد که مجموعه‌های سلطنتی خانان مغول در مغولستان و ایلخانان در ایران دارای چه ویژگی‌هایی بوده و این دو دسته، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته‌اند؟ اطلاعات این مقاله با روش‌های اسنادی، مشاهده بصری و مقایسه یافته‌های حاصل شده، گردآوری و سپس با انجام مطالعات تطبیقی با در نظر گرفتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان گونگ‌های خانان مغول در چین و مغولستان و سرای‌های ایلخانان در ایران، دسته‌بندی و با یکدیگر تطبیق داده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گونگ‌های مغولی و سرای‌های ایلخانی از لحاظ ساختارهای کلی و نحوه قرارگیری در شهرها و یا خارج از محیط شهرها، دارای مشابهت با یکدیگر بوده‌اند و تنها تفاوت میان آن‌ها، در نحوه چیدمان بناهای مجموعه بوده که در سرای‌های ایرانی از ساختار چهارایوانی و در گونگ‌های مغولی از فرم مرکزگرای کوران تبعیت شده است.

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹

انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

نویسنده مسئول:

شاهین گرکانی دشته

دکتری باستان‌شناسی، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

پست الکترونیک:

shaahin.dashteh@gmail.com

کلیدواژه‌ها: مجموعه‌های سلطنتی، اقامتگاه‌های فصلی، اقامتگاه‌های دوره‌ای، گونگ، سرای، مغولان، ایلخانان

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

گرکانی دشته شاهین، مرتضایی محمد. (۱۴۰۰). گونگ و سرای، بررسی مجموعه‌های سلطنتی امپراطوران مغول و ایلخانان در قرون هفتم و هشتم هـ.ق. فصلنامه علمی اثر، ۴۲ (۴)، ۴۵۰-۴۶۹.

مقدمه

گونگ واژه‌ای چینی است که به‌تنهایی، معنای کاخ را می‌رساند. شکل این واژه (工) نیز در زبان چینی، گویای فرمی بوده که بر اساس آن، مجموعه کاخ‌های امپراطوران مغولی یوآن استقرار می‌یافته‌اند (Masuya, 2002). واژه گونگ در ترکیب با کلمه چنگ به‌صورت گونگ‌چنگ^۱ نیز کاربرد داشته است. چنگ در زبان چینی، هم به معنی حصار و هم شهر است. که در این ترکیب معنای محوطه محصور کاخ‌های سلطنتی را می‌رساند (Steinhardt, 1988). همین‌طور گونگ در ترکیب با واژه ژینگ به‌صورت ژینگ‌گونگ^۲ نیز به کار رفته است. کلمه ژینگ را در این ترکیب می‌توان به معنی موقت تعبیر کرد که در نهایت، معنای این ترکیب را به کاخ موقت یا استقرارگاه موقت نزدیک می‌کند. وجود کلمه کاخ در این ترکیب که گویای وجود یک بنای ساخت‌واره است، پژوهشگران را در نتیجه‌گیری دچار تردید ساخته، به‌صورتی که، توموکو ماسویا، ژینگ‌گونگ را به معنای مجموعه‌های سلطنتی تعبیر کرده که چون در مسیرهای حرکت‌های دوره‌ای و در فاصله کمی از شهرها قرار داشته‌اند، اقامت در آن‌ها به‌صورت موقت بوده (Masuya, 2013) و اشتاین هارت نیز این احتمال را مطرح ساخته که عنوان ژینگ‌گونگ به مجموعه‌هایی اطلاق می‌شده که عمده استقرارها در آن به‌صورت موقت و با سازه‌های چادری برپا می‌شده است (Steinhardt, 1988).

سرای، کلمه‌ای فارسی است که از ریشه سر به معنی احاطه کردن و پوشاندن آمده است. از این واژه به‌صورت عمده برای نامیدن خانه در لفظ عوام و کاخ در لفظ سلطنتی استفاده شده است (Hassandoust, 2020). همچنین این واژه در ترکیب با کلمه‌هایی دیگر مانند کاروان‌سرا و حرم‌سرا نیز آمده که در ترکیب‌های فوق، سرا به‌عنوان محل استقرار یا اقامت معنی داده است (Beheshti & Qayyoomi, 2009). از طرفی، کلمه سرای به‌تنهایی به معنی قیصریه یا بازارچای است که در گرد یک حیاط مسقف مستقر بوده است (Shams, 2010). این واژه از طریق زبان‌های

فارسی شرقی به زبان ترکی ایغوری وارد شده و به‌صورت سربق تغییر یافته است. واژه سربق در ترکی ایغوری معنای حصار، محوطه میدان‌مانند و دژ را می‌رساند است (Hassandoust, 2020). همچنین واژه سرای در معماری عثمانی نیز به کار برده شده است. در معماری این دوره، مجموعه کاخ‌های امپراطوران عثمانی با پسوند سرای نامیده می‌شده‌اند (Goodwin, 2009).

خواجهر رشیدالدین فضل‌الله در جامع التواریخ، از واژه سرای چندین بار برای نامیدن مجموعه‌های اقامتی خانان مغول در مغولستان و چین، و همچنین اقامتگاه‌های ایلخانان مغول در ایران استفاده کرده است (Hamedani, 1994). در متون چینی دوره یوآن که اختصاص به تاریخ امپراطوران مغول داشته، در برابر تمامی اقامتگاه‌هایی که خواجهر رشیدالدین از آن‌ها با عنوان سرای یاد کرده، از عنوان گونگ استفاده شده است (Yuan, 1976). این هم‌نشینی می‌تواند گویای نزدیکی ساختارهای معماری میان این دو واژه ایرانی و چینی باشد. این همخوانی تنها میان دو واژه سرای و گونگ رخ نداده است. در جامع‌التواریخ سایر اقامتگاه‌های خانان مغول در چین و مغولستان با عنوان کوشک معرفی شده‌اند (Hamedani, 1994). در برابر این واژه نیز در متون دوره یوآن از دو واژه دیان و تینگ استفاده شده که به معنی سالن و کوشک بوده است (Yuan, 1976).

هدف پژوهش: از آنجایی که امروزه تمامی اقامتگاه‌هایی که در متون دوره یوآن از آن‌ها با عنوان گونگ یاد شده، مورد شناسایی و کاوش قرار گرفته‌اند، می‌توان به کمک مستندات باستان‌شناسی حاصل‌شده، تا حدودی به ساختارهای معماری این مجموعه‌های سلطنتی دوره مغول پی‌برد. در مقابل اما، تنها حجم بسیار اندکی از مجموعه‌های اقامتی دوره ایلخانان که در منابع تاریخی عهد ایلخانان از آنها با عنوان سرای یاد شده، شناسایی و مورد کاوش قرار گرفته‌اند. این پژوهش در پی آن است تا با بررسی و تبیین ساختار گونگ‌های خانان مغول در چین و مغولستان، این فرم را با شکل سرای‌های ایلخانان مغول در ایران مورد مقایسه و

شهر و استقرارهای حومه‌ای آن انجام شده است (Blair, 1993; Hatef Naiemi, 2020; Mirfattah, 1991, 1995, 2006; Mohajerinejad, 2009; Rezvan Ghahfarokhi & Karimain, 2017). دومین محوطه که پس از سلطانیه مطالعات گسترده‌ای در رابطه با آن انجام شده، تخت سلیمان است. کاوش‌های انجام‌شده در تخت سلیمان، ضمن روشن ساختن دوره‌های مختلف ساختمان‌سازی، شکل و فرم این‌دوره ایلخانی این محوطه را مشخص ساخته است (Huff, 1987, 1968; Masuya, 2002; Sarfaraz & Kiani, 2002). در پای کوه بیستون نیز کاوش‌هایی برای شناسایی محوطه تاریخی سلطان‌آباد چمچال انجام شده که به پدیدار شدن بقایای دو بنای متعلق به عهد ایلخانی انجامیده است (Kleiss, 2006; Lushey, 1990). آخرین محوطه‌ای نیز که با کاوش‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته، اوجان است. حفاری در این محوطه، تاکنون منجر به شناسایی حدود تقریبی شهر اوجان و بنایی با ساختار مربع در آن شده است (Velayati et al., 2019; Velayati & Saadatirad, 2018). با توجه به اینکه حجم مطالعات انجام‌شده در حوزه هر دو حکومت خانان مغول و ایلخانان نسبتاً چشم‌گیر بوده، اما اندک مطالعاتی در صدد آن برآمده‌اند تا به مقایسه تطبیقی میان مآثر برجای‌مانده از این دو حکومت، که هر دو از یک ریشه فرهنگی نشأت می‌گرفته‌اند، بپردازند. در این میان شاید بتوان به پژوهشی که Hatef Naiemi (۲۰۱۹) به‌تازگی انجام داده اشاره کرد که در آن به تأثیراتی احتمالی که شهرسازی چینیان بر جوامع مغولی و متعاقب آن شهرسازی دوره ایلخانی داشته‌اند پرداخته و به‌طور مشخص ارگ سلطانیه و ساختار شب‌غازان را متأثر از فرم‌های استقراری مغولان مفروض داشته است (Masuya, ۲۰۰۲). نیز که مطالعات وسیعی در مجموعه تخت سلیمان انجام داده، بعضی از سازه‌های موجود در این محوطه، همچون بناهای هشت‌ضلعی آن را با بناهای سلطنتی در شهر داید و مورد مقایسه قرار داده است. Becker (۲۰۱۲) نیز ضمن تحلیل شهر قراقوروم و بقایای معماری برجای‌مانده آن، به تأثیرات و تأثرات احتمالی این استقرارگاه

تطبیق قرار داده تا به کمک آن بتواند علاوه بر شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های احتمالی موجود میان آن‌ها، شکل سرای‌ها یا مجموعه‌های اقامتی ایلخانان مغول در ایران را نیز تبیین نماید.

سؤال‌های محوری این پژوهش که بر مبنای هدف اصلی آن مطرح شده از این قرار است: الف) اقامتگاه‌های خانان مغول که در متون چینی از آن‌ها با عنوان گونگ و در جامع‌التواریخ رشیدی از آن‌ها با عنوان سرای نام برده شده به چه صورت بوده؟ ب) فرم اقامتگاه‌های ایلخانان مغول که در منابع تاریخی از آن‌ها با عنوان سرای نام برده شده به چه صورت بوده است؟ ج) شباهت‌ها و تفاوت‌های احتمالی میان فرم سرای در معماری خانان مغول و ایلخانان در چیست؟

پیشینه پژوهش

در مورد مطالعه جایگاه استقرارگاه‌های فصلی خانان مغول در داخل سرزمین‌های مغولستان، تاکنون مطالعات وسیعی انجام گرفته که منجر به شناسایی قراقوروم، پایتخت اولیه مغولان و اقامتگاه سلطنتی آن (Bemmann et al., 2011; Bemmann & Reichert, 2021; Hüttel, 2009; Hüttel & Erdenebat, 2011; Pohl, 2007, 2010; Pohl et al., 2012). و همچنین شناسایی و معرفی دیگر اقامتگاه‌های دوره‌ای خانان مغول در دو گونه ثابت و غیر ثابت شده است (Boyle, 2004; Shiraiishi, 1972). مطالعات انجام‌شده روی اقامتگاه‌ها و شهرهای دوره امپراطوری مغول در چین نیز بسیار گسترده بوده است. این پژوهش‌ها توانسته‌اند علاوه بر مطالعه ساختار دو شهر دایدو و شانگدو، تعداد بسیار زیاد اقامتگاه‌های دوره‌ای مغولان را نیز در خاک چین امروزی مورد بررسی قرار دهند (Masuya, 2013; Rogers, 2017; Waugh, 2010; Steinhardt, 1983, 1988, 1999). پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص استقرارگاه‌های دوره‌ای و ثابت ایلخانان در ایران را نیز می‌توان به چند محوطه اصلی محدود دانست. اولین محوطه که آن را می‌توان مهم‌ترین محوطه دوره ایلخانی نامید، شهر تاریخی سلطانیه است که تاکنون مطالعات دامنه‌داری در خصوص شناسایی ساختار

مجموعه‌های سلطنتی ایلخانان مغول در ایران که با نام سرای مورد اشاره قرار گرفته‌اند را نیز می‌توان دارای ویژگی‌های مرکزگرای گونگ‌های مغولی دانست. با این حال، یک تفاوت اصلی میان گونگ‌های مغولی و سرای‌های ایلخانی حائز اهمیت است و آن نیز تبعیت از فرم چهارایوانی در نحوه استقرار ابنیه مجموعه‌های سلطنتی ایلخانان است.

بحث

از استقرارگاه‌های ثابت تا مجموعه‌های سلطنتی

اساس استقرارگاه‌های مغولان را در حرکت‌های دوره‌ای سالانه، اردوگاه‌های موقتی تشکیل می‌داده که با برپایی چادرها شکل می‌گرفته است. یکی از فرم‌های شناخته‌شده برپایی چادرها در استقرارگاه‌های موقت، کوران بوده است. خواجه رشیدالدین فضل‌الله در جامع‌التواریخ، کوران را به حلقه معنی کرده و فرم آن را به صورت دایره‌ای عنوان داشته که در میان آن چادر بزرگ خان قرار می‌گرفته است (Hamedani, 1994). ویلیام د روبروک نیز در تشریح اردوگاه باتو، نوه چنگیز به کوران با عنوان کوریا^۲ اشاره کرده و او نیز آن را به معنی حلقه یا در میانه، دانسته و تصریح کرده که علت این نام‌گذاری به دلیل قرارگیری استقرارگاه اصلی در میان سایر اقامتگاه‌های مردمان مغول بوده است (Rubruck, 1990). مارکوپولو نیز در هنگام گزارش اردوی شاهانه قویلای قآن، ضمن اشاره به استقرار چادر قآن در مرکز اردو، به قرارگیری چادرهای افراد خانواده و خویشان قآن در گرداگرد چادر او اشاره داشته که یادآور همان فرم کوران سنتی مغولی است (Polo, 1984). در میان گزارش‌های مورخین اواخر عهد ایلخانی نیز، گزارش محمدبن هندوشاه نخجوانی، به روشنی نحوه استقرار اردوی ایلخان به شکل یک کوران مغولی را تشریح کرده است. نکته قابل توجه در توضیحات او تفاوتی است که در تبیین شکل کوران با گزارش خواجه رشیدالدین دارد. او فرم کوران را نه بر اساس دایره که به صورت یک مربع تشریح کرده، به صورتی که چادر خان در میانه و سایر اقامتگاه‌ها هرکدام در نقطه‌ای مشخص و در

بر نواحی شرقی ایران پرداخته است. به غیر از این سه پژوهش، سایر مطالعات انجام‌شده در حوزه فرهنگ و تمدن دوره ایلخانی، کم‌تر به تأثیرات و تأثرات فوق علاقه‌مند بوده و فارغ از این نگرش‌ها، ساختار معماری و شهرسازی دوره ایلخانی را به صورت مستقل بررسی کرده و یا آن را در امتداد روند معماری دوره‌های پیشین در ایران، مانند دوره سلجوقی دانسته‌اند (Blair, 1993; Wilber, 1986). پژوهش پیش رو برای اولین بار سعی دارد تا با توجه به کلمه مشترک سرای که میان چند اقامتگاه خانان مغول و ایلخانان مورد استفاده قرار گرفته، به مقایسه و تطبیق این فرم از اقامتگاه‌های این عهد بپردازد. این پژوهش هم‌چنین برای اولین بار، ضمن معرفی محوطه‌های دوره ایلخانی که تاکنون مهجور مانده، تأثیرات و تأثرات احتمالی میان سرای‌های خانان مغول و ایلخانان را تشریح کرده است.

روش بررسی

داده‌های این پژوهش در مرحله اول با روش‌های اسنادی، مشاهده بصری و مقایسه یافته‌های حاصله، گردآوری شده است. در مرحله دوم، به منظور تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های احتمالی میان گونگ‌های خانان مغول در چین و مغولستان و سرای‌های ایلخانان در ایران، یافته‌های حاصل در مرحله اول، دسته‌بندی شده و بعد از آن مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

مجموعه‌های سلطنتی امپراطوران مغول که با نام چینی گونگ شناخته شده‌اند را می‌توان حائز این ویژگی‌های اصلی دانست: الف) تبعیت از فرم مرکزگرای کوران‌های سنتی مغولی، به معنی قرارگیری کوشک اصلی در مرکز مجموعه. ب) استقرار چندین ساختمان فرعی و اصلی در دورتادور کوشک مرکزی و تشکیل یک مجموعه اقامتی. ج) تحدید مجموعه با یک دیوار تدافعی. د) تفاوت در نامگذاری مجموعه‌های سلطنتی بر اساس تعداد ابنیه اصلی مستقر در آن و یا فاصله قرارگیری آن‌ها از شهرهای اصلی.

می‌داده است. ساخت این محوطه‌های استقراری ثابت در دوره‌های بعدی نیز پیگیری شده و با اضافه شدن سازه‌های معماری در آن، به تدریج به فرم یک دژ یا قلعه نزدیک شده است (Rogers, 2017). پس از آن است که در بعضی از استقرارگاه‌های ثابت، خرگاه خان جای خود را به ساختمانی برپا شده با مصالح بنایی داده و به تدریج ساختمان‌های دیگر نیز به جمع ابنیه اولیه اضافه شده‌اند. این فرم که آن را می‌توان یک دژ سلطنتی با ابنیه محدود تعبیر کرد، هسته اولیه شهرهای امپراطوری‌های استپی را تعریف می‌کرده به صورتی که در نمونه‌های متعددی، مانند خربالگاس^۷ و خرخول خانی بالگاس^۸، می‌توان به شواهد استقرار در اطراف دژ مرکزی اشاره داشت که شاهدهی است بر برقراری اردوگاه‌های دوره‌ای در اطراف آن (Rogers et al., 2005). در واقع دژ یا قلعه مرکزی به‌عنوان هسته یک استقرارگاه عمل می‌کرده و در کنار آن اولین شهرهای امپراطوران استپی تشکیل شده است.

مجموعه‌های سلطنتی در دوره امپراطوری مغولان

با تشکیل امپراطوری فراگیر مغول (۱۲۰۶-۱۳۷۰ م) در قرن ۱۳ میلادی، گستردگی فوق‌العاده اراضی تحت تصرف قان‌های مغول و همچنین هم‌نشینی بیش‌ازپیش این اقوام کوچ نشین با فرهنگ شهرنشینی، آن‌ها را بر آن داشت تا علاوه بر ساخت اقامتگاه‌های سلطنتی در داخل یا حومه پایتخت‌های اصلی، به ساخت چندین و چند اقامتگاه میان‌راهی در مسیر حرکت‌های دوره‌ای اقدام کنند. از آنجایی که هدف مقاله فوق بررسی تمامی این اقامتگاه‌ها نیست، در این پژوهش تنها آن دسته از استقرارگاه‌های خانان مغول مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در متون چینی و مغولی از آنها به‌صورت مستقیم با عنوان گونگ و در متون فارسی با عنوان سرا یا سرای یاد شده است.

اردوگاه بزرگ چنگیز در مغولستان: اردوگاه بزرگ چنگیز یکی از چهار اردوگاه اصلی او در داخل سرزمین‌های اصلی مغولان محسوب می‌شده که نقش مرکزیت را در میان سایر اقامتگاه‌های دیگر داشته است. شکل این اقامتگاه در

جهتی معین قرار می‌گرفته‌اند (Nakhjavani, 1976). اشاره او مطابقت دارد با گزارش جوینی از اردوگاه گیوک قان، که مطابق با کلام جوینی، نه به شکل دایره، بلکه به‌صورت مربع تشکیل یافته است (Joweyni, 2008). در مجموع می‌توان منظور از واژه در میانه را به این صورت تفسیر نمود، که خرگاه خان در میانه کوران قرار می‌گرفته و سایر چادر، خرگاه او را در بر می‌گرفته‌اند و این لزوماً به معنی وجود شکل دایره در هندسه کوران نبوده است.

با این حال، استقرارگاه‌های اقوام ترک و مغول را نمی‌توان به اردوگاه‌های موقت یا کوران‌ها منحصر دانست. برپایی استقرارگاه‌هایی با مصالح بنایی که به‌صورت ثابت در بعضی از مقاصد بیلاقی و قشلاقی قرار داشته‌اند نیز، دسته دیگری از اقامتگاه‌های این اقوام را تشکیل می‌داده که از آن‌ها می‌توان با عنوان استقرارگاه‌های ثابت یاد کرد. بر اساس مستندات باستان‌شناسی، ساخت اولین اقامتگاه ثابت در میان اقوام ترک و مغول، به دوره حکمرانی امپراطوران ژیانگنو یا هسیونگنو (قرن ۲ پ.م تا قرن ۲ م) مربوط می‌شود (Rogers, 2017). این استقرارگاه‌ها عمدتاً به‌صورت ازپیش‌طراحی‌شده، احداث گردیده و به غیر از حصار، عمده ساختارها در آن به‌صورت موقت برپا می‌شده است. در میان هر دیوار دروازه‌ای قرار داشته که از آن خیابانی به مرکز محوطه منتهی می‌شده به‌صورتی که زمین داخل حصار را به چهار قسمت مساوی تقسیم می‌کرده است (Rogers et al., 2005). علاوه بر شواهد باستان‌شناسی، در متون کهن چینی نیز که به استقرارگاه‌های امپراطوران ژیانگنو اشاره کرده‌اند، می‌توان به فرم این استقرارگاه‌ها پی برد. در متن تاریخ‌نامه شیجی^۴ (۹۱۱ق.م) و همین‌طور تاریخ‌نامه هو هان شو^۵ (۱۱۱م) به این اقامتگاه‌ها با عنوان لانگ چنگ^۶ اشاره شده که به‌طور مشخص کلمه چنگ در این ترکیب به معنای شهر یا اقامتگاه محصور است (Masuya, 2013). همانطور که گفته شد، بیش‌تر استقرارها در این فضای ازپیش‌طراحی‌شده، فارغ از سازه‌های معماری بوده و استقرار دوره‌ای چادرها به شکل کوران، به این محوطه‌ها رنگ و بوی یک شهرک موقت



شکل ۱. اردوی بزرگ چنگیز در محوطه تاریخی آوراگا (Shiraishi, 2006: 507)

دوره متفاوت ساختمانی است. دوره اول مربوط به حدود زمانی سال‌های ۱۱۹۰ تا ۱۲۲۰ م است. بر اساس گزارش‌های باستان‌شناسی، در این دوره زمانی تنها بقایای یک ساختمان در مرکز حصار قرار داشته که سقف آن با چادر پوشیده می‌شده است. همچنین در بیرون از محوطه حصار، بقایایی از این دوره به دست آمده که مربوط به سکوهایی برقراری چادر بوده است (Shiraishi, 2006).

اردوگاه چنگیز در ادامه دوره حکمرانی او به استقرارگاهی بسیار بزرگ تبدیل شده، به‌صورتی که علاوه بر تغییر ساختمان خرگاه مرکزی، چند بنای اداری یا تشریفاتی در کنار حصار اصلی برپا شده است. از این دوره بوده (از سال ۱۲۱۰ تا سال ۱۲۲۷ م) که در یوان‌شی به اردوگاه بزرگ او با نام ژینگ‌گونگ اشاره شده است (Yuan, 1976). استفاده از این عنوان در این زمان را شاید بتوان به گسترش و تغییر ماهیت اردوگاه چنگیز مربوط دانست. اردوگاهی که علاوه بر خرگاه و چادرهای موقت، دارای چندین بنا و ساختمان اداری بوده است. گزارش‌های «هی داشی لوهه»^{۱۲} از ملاقات با اوگتای، تنها پنج سال بعد از مرگ چنگیز نیز گویای وجود بناهای متعدد در این اردوگاه است (Shiraishi, 2006). گزارش‌های باستان‌شناسی نیز این تحولات را تأیید می‌کنند، به‌صورتی که بقایای به‌دست‌آمده از دوره‌ای که به حدود تقریبی سال‌های ۱۲۱۰ تا ۱۲۷۰ م مربوط است، گویای ساخت بنایی با شکوه در مرکز حصار بر جای بنای محقر قبلی است. این گزارش‌ها همچنین به بقایای بناهایی اشاره کرده‌اند که در این دوره زمانی در دو سوی حصار برپا شده بودند

ابتدای دوره حکمرانی چنگیز به‌صورت یک حصار گلین بوده که خرگاه خان در میان آن قرار می‌گرفته است. در این زمان استقرار اطرافیان خان در اطراف خرگاه اصلی، به‌صورت برپایی چادر در دو سوی حصار مرکزی بوده است. شاید به همین دلیل باشد که در جامع‌التواریخ، خواجه‌رشیدالدین به اقامتگاه خان، تنها با عنوان‌هایی همچون «اردوی بزرگ چنگیز» و «یورت اصلی» اشاره کرده و از به‌کاربردن کلمه سرای در عنوان این اقامتگاه پرهیز کرده است (Hamedani, 1994). در یوان‌شی نیز از اردوگاه اصلی چنگیز در ابتدای حکومت او (سال‌های ۱۲۰۳ تا ۱۲۱۰ م)، نه با عنوان گونگ، بلکه با عنوان لانگ‌تینگ^۹ یاد شده است (Yuan, 1976). لانگ‌تینگ که در چینی آن را می‌توان به کوشک‌شاهانه تعبیر کرد، با کلمه لانگ‌چنگ، در متون کهن چینی هم‌نشینی طولانی داشته است. مورخان چینی از هر دو عنوان برای اشاره به استقرارگاه یک خان کوچ‌رو استفاده کرده‌اند که مشخصاً درون یک حصار گلین برقرار می‌شده است (Masuya, 2013). کاوش‌های انجام‌شده در محوطه تاریخی آوراگا^{۱۰} در منطقه خنتی^{۱۱} در شرق مغولستان، که گمان می‌رود، همان محل اردوگاه چنگیز باشد، مؤید این فرض است. در این محوطه، انبوهی از بقایای ساختمانی به دست آمد که در دو سوی سکویی بزرگ که به سکوی شماره یک موسوم است قرار گرفته‌اند. این سکو که احتمالاً محل اقامت چنگیز در اردوگاه بوده در قسمت مرکزی محوطه قرار داشته و بر اساس شواهد، دورتادور آن به‌وسیله یک حصار گلین محصور بوده است. حفاری‌ها در محل سکوی شماره یک گویای وجود چهار

اقامتگاه قاآن در قراقوروم را به صورت باغی تصویر کرده که در مرکز آن کوشک قاآن قرار داشته است (Joweyni, 2008). ویلیام د روبروک (قرن ۱۳ م)، اقامتگاه سلطنتی را به صورت محوطه‌ای با حصار آجری تشریح کرده که کاخ قاآن در مرکز آن قرار داشته و ابنیه تشریفاتی دیگر در اطراف آن مستقر بوده اند (Rubruck, 1990). قسمت اعظم این گزارش‌های تاریخی بر پایه مستندات حاصل از عملیات باستان‌شناسی در محل محوطه قراقوروم قابل پذیرش است. بر پایه این مستندات، شهر قراقوروم به صورت یک محوطه از پیش طراحی شده، احداث گردیده و هسته شهر روی دو خیابان عمود بر هم استوار بوده است (Bermann & Reichert, 2021; Pohl, 2010; Pohl et al., 2012). در جنوب محوطه شهر، بقایای حصار چهارگوش به دست آمده که می‌تواند بقایای وان آن‌گونگ قراقوروم باشد. دیوارهای محوطه بسیار عریض بوده و در میان هر کدام دروازه‌ای قرار داشته و از هر دروازه، خیابانی به مرکز آن منتهی می‌شده است (Hüttel & Erdenebat, 2011). کاوش‌هایی که هم‌اکنون در مرکز این محوطه در جریان است، در پی یافتن بقایای کاخ مرکزی قاآن بوده، که تا روشن شدن نتایج، نمی‌توان در مورد ساختار احتمالی آن نظری به قطعیت داد. و به‌ناچار می‌بایست بر همان گزارش‌های تاریخی اتکا نمود (شکل ۲).



شکل ۲. شهر قراقوروم و استقرارگاه قاآن در جنوب آن (Pohl, 2007: 523).

و در کنار سکوه‌های برقراری چادر قرار داشته‌اند (Shiraishi, 2006) (شکل ۱).

سرای قراقوروم: تا پیش از برپایی شهر قراقوروم توسط اوگتای قاآن (۱۲۲۹-۱۲۴۱ م)، به سال ۱۲۳۵ م، این محوطه محل برپایی یکی از اردوگاه‌های چهارگانه چنگیز بوده و همانند اردوگاه اصلی او در شرق مغولستان، مبتنی بر یک حصار چهارگوش گلین می‌شده که خرگاه خان در داخل آن برقرار بوده است. در کتاب تاریخ سری مغول، از این اردوگاه در گزارشی مربوط به سال ۱۲۳۳ م با عنوان لانگ‌تینگ قراقوروم یاد شده که قرابت با عنوان اردوگاه اصلی چنگیز دارد (Masuya, 2013). خواجه رشیدالدین نیز به این اردوگاه، تا پیش از برقراری شهر، همانند اردوی بزرگ چنگیز با عنوان یورت قراقوروم اشاره کرده است (Hamedani, 1994). جوینی نیز در گزارش بنیاد نهادن شهر توسط اوگتای، به بقایای دیواری اشاره کرده، موسوم به اردوبالغ یا شهراردو که تا پیش از برپایی شهر در این محوطه قرار داشته است (Joweyni, 2008). بر مبنای شواهد، شهر قراقوروم همچون شهرهای کهن نواحی استپی، در شمال این لانگ‌تینگ کهن، بنیاد نهاده شده است. اوگتای پیش از ساخت شهر، محوطه لانگ‌تینگ را بازسازی کرده و آن را به صورت یک استقرارگاه سلطنتی برقرار ساخته است (Garakani Dashteh & Mortezaei, 2020). اقامتگاه سلطنتی قراقوروم به صورت یک حصار چهارگوشه طراحی شده که در میان هر دیوار دروازه‌ای قرار داشته است. در مرکز این اقامتگاه نیز کاخ اصلی قاآن واقع بوده به صورتی که ساختمانی‌های تشریفاتی متعددی در دورتادور آن قرار می‌گرفته‌اند.

در یوان‌شی اقامتگاه قاآن در قراقوروم با عنوان وان آن گونگ^{۱۳} به معنی «کاخ آرامش ابدی» معرفی شده است (Yuan, 1976). در جامع‌التواریخ به این اقامتگاه سلطنتی با عنوان «سرای عالی بنیان» اشاره شده که در همان محل سابق یورت قراقوروم توسط مهندسان ختایی برپا شده است. خواجه رشیدالدین به استقرار کاخ قاآن در مرکز این محوطه اشاره کرده و چنین افزوده که به دستور او، وابستگان قاآن در حوالی آن استقرار یافته‌اند (Hamedani, 1994). جوینی نیز

منطقه امروزی مغولستان داخلی، منجر به کشف بقایای استقرارگاهی بزرگ شده که گمان می‌رود همان کیمین‌فو یا شانگدو دوره مغول باشد. کاوش‌های فوق مؤید گزارش‌های تاریخی است. بر مبنای این مستندات محوطه شهر دارای سه حصار تودرتو بوده که داخلی‌ترین حصار همان محوطه سرای قآن یا گونگ چنگ است. در داخل محوطه فوق بقایای چندین بنا قرار داشته که حول یک بنای مرکزی مستقر بوده‌اند. این بنا که ساختمان نسبتاً کوچکی است، به صورتی واقع شده که سه خیابان اصلی اقامتگاه به آن منتهی می‌شوند، که همین گویای اهمیت بنای فوق است. در شمال محوطه اقامتگاه قآن نیز بقایای بنایی U به دست آمده که طبق نظر باستان‌شناسان می‌تواند همان کاخ بارعام باشد (Masuya, 2013; Steinhardt, 1999) (شکل ۳).



شکل ۳. شهر کیمین‌فو (شانگدو) ۱_داچنگ ۲_هوآنگ‌چنگ
۳_گونگ‌چنگ ۴_داآن‌جه ۵_کوشک مرکزی
(Masuya, 2013: 240)

سرای معظم قآن در دایدو (Dadu): شهر دایدو یا پایتخت زمستانی در سال ۱۲۶۷م توسط قوییلای قآن در شمال شرق سرزمین‌های چینی در استان هبی^{۲۱} احداث گردید (Steinhardt, 1983). دایدو نیز همچون شانگدو بر اساس اصول شهرهای چینی طراحی و دارای سه حصار تودرتو بوده است.

سرای شهر کیمین‌فو: کیمین‌فو (در منابع فارسی) یا کپیینگ‌فو^{۱۴} (در منابع چینی)، نام شهری است که قوییلای در سال ۱۲۵۶م و پیش از رسیدن به قدرت بنیاد نهاد. بعد از بر تخت نشستن قوییلای در سال ۱۲۶۰م و انتقال پایتخت به دایدو، این شهر به پایتخت تابستانی قآن تبدیل و نام آن به شانگدو^{۱۵} تغییر یافت (Steinhardt, 1999). کیمین‌فو از اساس بر بنیاد شهرهای چینی و به صورت سه حصار تو در تو طراحی شد. با این حال اقامتگاه قآن که در داخلی‌ترین حصار قرار داشت، مطابق با فرم مرکزگرای کوران‌های کهن طراحی گردید. این محوطه، شامل حصاری مربع‌شکل بوده که در مرکز آن همچون اقامتگاه‌های قراقروروم و اردوگاه بزرگ چنگیز، کوشک مرکزی قرار داشته است. دورتادور این کوشک را نیز ساختمان‌های متعددی فرا می‌گرفته‌اند. در میان آن‌ها بزرگ‌ترین بنا، ساختمان کاخ بارعام قآن است که چسبیده به دیوار شمالی و درست در روبه‌روی کوشک مرکزی واقع شده است.

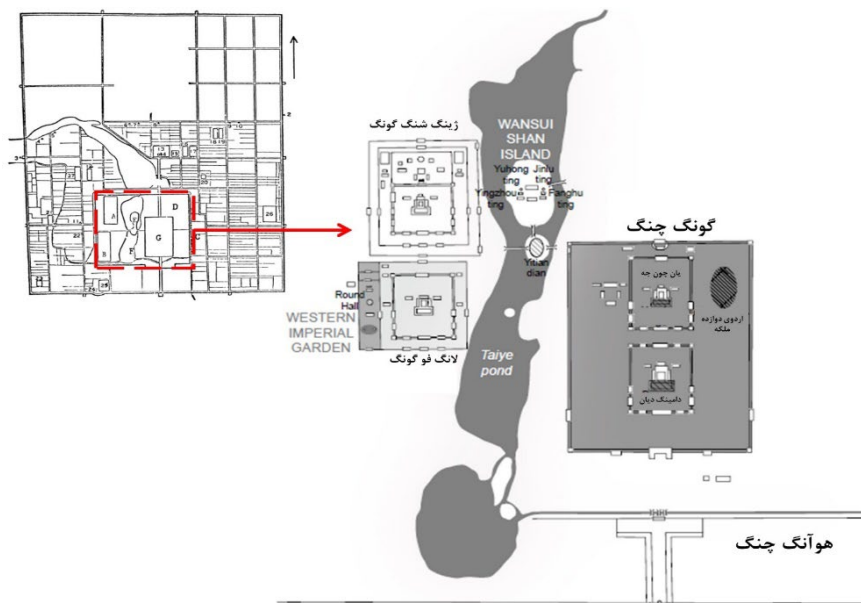
خواجه‌رشیدالدین در جامع‌التواریخ، اقامتگاه قآن در شهر کیمین‌فو را، با عنوان سرای شهر معرفی کرده و ابنیه داخلی آن را به کوشکی کوچک منحصر دانسته است. او به وضوح به خیابانی اشاره کرده که این کوشک را مستقیماً به بنایی که در حومه شهر قرار داشته مرتبط می‌ساخته است (Hamedani, 1994). در منابع چینی به این اقامتگاه با عنوان گونگ‌چنگ اشاره شده (Yuan, 1976) که گویای وجود یک مجموعه ساختمانی محصور است که بر خلاف گزارش خواجه‌رشیدالدین به غیر از کوشک شامل ابنیه مهم دیگری نیز بوده است (Steinhardt, 1988). همچنین در شعری که از ژوبقی^{۱۶} شاعر دربار قوییلای بر جای مانده، می‌توان اشاره به بنای دو کاخ و یک کوشک در داخل این محوطه را پیگیری کرد. اولین بنا موسوم به کوشک شیشه‌ای یا شویجینگ دیان^{۱۷}، بنای دیگر کاخ کوپژانگ‌جه^{۱۸} و آخرین بنا داآن‌جه^{۱۹} یا کاخ بارعام بوده که به گفته او بر اساس الگوی کاخ‌های شاهان سونگ برپا شده است (Steinhardt, 1999). کاوش‌های انجام‌شده در طول قرون ۲۰ و ۲۱م در فاصله پنج کیلومتری حومه شمال‌غربی دلون‌نور^{۲۰} در

(Steinhardt, 1983). اقامتگاه یا کوشک اصلی قاآن کوشک دامینگ بوده که در مرکز محوطه قرار داشته و کاخ یان چون که به‌عنوان کاخ پذیرایی کاربرد داشته در سمت شمالی آن واقع بوده است. در شرق کاخ دامینگ، محوطه چمن‌کاری وسیعی با نام «اردوی یازده ملکه» واقع بوده که بنابر منابع تاریخی، محوطه‌ای یادمانی جهت استقرار خرگاه قاآن‌ها و شاهزادگان مرده مغولی محسوب می‌شده است (Masuya, 2013).

به‌غیر از گونگ‌چنگ یا سرای معظم قاآن، در غرب دریاچه تائی‌چی و در داخل حصار شهرشاهی، دو محوطه محصور دیگر نیز قرار داشته‌اند. در سمت شمال ژینگ‌شنگ گونگ^{۲۷} و در جنوب آن لانگ‌فو گونگ^{۲۸} (Steinhardt, 1999) به این دو محوطه در منابع تاریخی ایرانی اشاره نشده است. ژینگ‌شنگ گونگ، اقامتگاه اختصاصی ولیعهد محسوب می‌شده که در مرکز آن، کوشک اقامتی ولیعهد در میان چندین ساختمان خدماتی کوچک قرار داشته است. لانگ‌فو گونگ نیز، اقامتگاه ملکه بوده و آن نیز عیناً مطابق با فرم اقامتگاه ولیعهد، مشتمل بر کوشکی مستقر در میانه محوطه محصور بوده که ساختمان‌های تشریفاتی دیگر در اطراف آن قرار داشته‌اند (Steinhardt, 1983) (شکل ۴).

اقامتگاه اصلی خان یا همان گونگ‌چنگ، داخلی‌ترین حصار شهر محسوب می‌شده و همچون اقامتگاه قاآن در شانگدو در منطقه جنوب شهر قرار داشته است. این اقامتگاه در دل دو دیوار دفاعی پیشین محصور بوده که اولی حصار شهر سلطنتی یا هوانگ‌چنگ^{۲۲} و دومی حصار بیرونی یا دا چنگ^{۲۳} بوده است (Steinhardt, 1983). در جامع‌التواریخ به اقامتگاه اصلی قاآن در شهر دایدو با عنوان «سرای به غایت با عظمت» اشاره شده و علاوه بر اینکه به استقرار آن در داخل شهر اشاره گردیده، محصور بودن آن به صراحت ذکر شده است (Hamedani, 1994).

مطالعات باستان‌شناختی انجام‌شده در محل شهر امروزی پکن، شکل اولیه پایتخت زمستانی قوییلای را آشکار ساخت. این شهر همانند آنچه در منابع تاریخی بدان اشاره شده بود، دارای سه حصار تودرتو بوده است. حصار میانی یا شهر شاهی، به‌وسیله یک راه‌آب و دریاچه مصنوعی، که به تائی‌چی^{۲۴} معروف بوده به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می‌شده (Masuya, 2013) و اقامتگاه قاآن یا همان گونگ‌چنگ یا سرای معظم او، در شرق دریاچه قرار داشته است. در داخل حصار این اقامتگاه بنای دو کاخ بزرگ واقع بوده که در منابع تاریخی به آن‌ها با نام‌های یان‌چون جه^{۲۵} و دامینگ دیان^{۲۶} اشاره شده است



شکل ۴. شهر دایدو (Steinhardt, 1983: 139; Masuya, 2013: 237).

ژینگ‌گونگ‌ها را نیز می‌توان، در دسته‌سرای‌های امپراطوران مغول دسته‌بندی نمود.

گونگ‌چنگ‌ها: تنها دو اقامتگاه اصلی قآن در دو شهر شانگدو و دایدو با این عنوان معرفی شده‌اند. در این اقامتگاه‌های شاهانه به‌جز بنای کاخ یا کوشک اصلی، یک یا چند بنای تشریفاتی نیز، مانند سالن پذیرایی یا همان چه قرار داشته که در میان یک دیوار دفاعی معظم محصور بوده‌اند. در ساختار مجموعه‌های فوق، مرکزگرایی و استقرار بنای کاخ اصلی در مرکز مجموعه موردتوجه بوده است. به این مجموعه‌ها در متون تاریخی دوره ایلخانی با عنوان سرای یا سرای معظم اشاره شده است.

گونگ‌ها: مجموعه اقامتی قآن در حومه شهر قراقوروم و دو مجموعه اقامتی ولیعهد و ملکه در داخل شهر شاهی در دایدو، با این عنوان خوانده شده‌اند. در این شکل از مجموعه‌ها، بر خلاف گونگ‌چنگ، تنها بنای یک کوشک یا کاخ در مرکز مجموعه قرار داشته و سایر ابنیه با کاربری خدماتی و در ابعاد بسیار کوچک‌تر در داخل محوطه محصور مجموعه واقع بوده‌اند. در متون تاریخی عهد ایلخانی نیز به این فرم از مجموعه‌های اقامتی با عنوان عمومی سرای اشاره شده است.

مجموعه‌های سلطنتی در دوره ایلخانان مغول

مستندات تاریخی عهد ایلخانان حکایت از آن دارند که از زمان برقراری این حکومت در ایران به دست هلاکو (۶۵۱-۶۶۳ هـ.ق)، تا زمان زوال آن با مرگ ابوسعید بهادر (۷۱۶-۷۳۶ هـ.ق)، چندین و چند اقامتگاه فصلی در نقاط مختلف به‌ویژه در نواحی شمال، غرب و شمال‌غربی فلات ایران، توسط آنان برپا شده است. وجود این اقامتگاه‌های فصلی گویای آن است که ایلخانان نیز همانند امپراطوران مغول، همچنان سلوک کوچ‌نشینی و رفت‌وآمدهای دوره‌ای و سرکشی به مناطق مهم تحت تصرفشان را به طور سالانه رعایت می‌کرده‌اند. علاوه بر اقامتگاه‌های فصلی، مجموعه‌های سلطنتی واقع در حومه شهرهای قدیمی و یا در داخل شهرهای جدید را، می‌توان دسته دیگری از اقامتگاه‌های فصلی ایلخانان محسوب کرد. در متون تاریخی این عهد به بعضی از این اقامتگاه‌های فصلی پرشمار، با عنوان‌های عمومی سرای و کوشک اشاره شده که می‌تواند

تحلیل ساختار مجموعه‌های سلطنتی امپراطوران مغول

مجموعه‌های سلطنتی امپراطوران مغول که در متون چینی با عنوان عمومی گونگ و در فارسی با عنوان عمومی سرای مورد اشاره قرار گرفته‌اند، عمدتاً دارای یک ساختار مرکزگرا بوده، به‌صورتی که ساختمان اصلی مجموعه در میان محوطه قرار می‌گرفته است. این فرم را می‌توان در راستای فرم مرکزگرایی کوران‌های کهن تلقی کرد. علاوه بر این، مجموعه‌های سلطنتی این دوره را بر اساس عنوان و کاربرد می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم نمود که عبارتند از: ژینگ‌گونگ‌ها، گونگ‌چنگ‌ها و گونگ‌ها.

ژینگ‌گونگ‌ها: در میان مجموعه‌های سلطنتی که در این مقاله بدان‌ها پرداختیم، تنها به اردوی بزرگ چنگیز در متون چینی با این عنوان اشاره شده است. همانطور که پیش‌تر اشاره شد، ژینگ‌گونگ هم می‌تواند به معنی اقامتگاه سلطنتی باشد که در خارج از شهرها و در میان مسیرهای دوره‌ای قرار داشته و هم می‌توانسته معنای اقامتگاهی که استقرار در آن به‌صورت موقت بوده را برساند (Steinhardt, 1988). در متون عصر یوآن به‌غیر از اردوگاه چنگیز به اقامتگاه‌های دیگری نیز با عنوان ژینگ‌گونگ اشاره شده است. به‌عنوان مثال می‌توان به دو اقامتگاه جین‌شان ژینگ‌گونگ^{۲۹} و لیولین ژینگ‌گونگ^{۳۰} اشاره کرد که در حومه دایدو قرار داشته‌اند. بر مبنای متون تاریخی، هردو مجموعه، به‌صورت محصور ساخته شده و در هردو مجموعه ابنیه ساختواره‌ای قرار داشته که بعضاً در طول دوره یوآن برپا شده بودند (Masuya, 2013). اردوگاه چنگیز را نمی‌توان یک شهر سلطنتی نامید و آن را همانند عنوان ژینگ‌گونگ‌ها، می‌توان اقامتگاهی دانست که در مسیر حرکت‌های دوره‌ای چنگیز و دور از شهرها قرار داشته است. در واقع بر مبنای شکل اردوگاه بزرگ چنگیز، می‌توان گفت که واژه ژینگ‌گونگ می‌تواند به معنی اقامتگاهی سلطنتی باشد که در فاصله دور از شهرها قرار داشته و شکل استقرار در آن، هم به‌صورت ساخت ابنیه ساختواره و هم به‌صورت برپایی چادرها و خرگاه‌های بزرگ بوده است. عدم استفاده از عنوان سرای در اشاره به این مجموعه در متون ایرانی، احتمالاً برتری داشتن فرم اردوگاهی و شکل موقتی آن بوده، در غیر این صورت،

اقامتگاه دانسته‌اند (Hamedani, 1994). گریگور آکانجی^{۳۱} نویسنده ارمنی نیز ساخت اقامتگاه در آلتاغ را به هلاکو نسبت داده (Blake & Frye, 1949)، اما از طرفی، مستوفی که جایگاه این اقامتگاه را در ارمنستان آورده، ساخت سرای در این محوطه را به ارغون، نوه هلاکو، منتسب کرده است (Mustawfi, 2002). شامی نیز ساخت سرای در این محوطه را مربوط به عهد آباقا، فرزند هلاکو دانسته است (Shami, 1984). این تناقض‌ها شاید به دلیل اهمیت این محوطه باشد، زیرا بر اساس مستندات، این اقامتگاه مهم در زمان حکومت تمامی ایلخانان، مانند آباقا (Al-Budge & Rugadi, 2011; Hamedani, 1994) و اولجایتو (Hamedani, 1994; Budge, 1928)، غازان و اولجایتو (Kashani, 1969) مورد اهمیت و استفاده بوده است.

اشاره‌ه عنوان عمومی سرای در منابع مختلف (Hamedani, 1984; Mustawfi, 2002; Shami, 1994). ظن ما را دائر بر وجود یک مجموعه اقامتی، مشتمل بر چندین سازه ساختواره در محوطه آلتاغ افزایش می‌دهد. از طرفی اشاره به ساخت سرای در آلتاغ در زمان سه ایلخان اولیه، این احتمال را مطرح می‌سازد که برنامه ساخت‌وساز در این مجموعه، تا نیمه عمر حکومت ایلخانان مغول در جریان بوده است. با این وجود، اکثر منابع فارسی، در مورد نوع ساختمان‌های مستقر در این مجموعه سکوت کرده‌اند. تنها سندی که به کمک آن می‌توان به وجود بنای کاخ مرکزی در مجموعه پی‌برد، گزارشی است که در یک متن ارمنی آمده و در آن به صراحت به ساخت کاخی باشکوه در محل آلتاغ توسط هلاکو اشاره شده است^{۳۲} (Blake & Frye, 1949). علاوه بر این، به کمک متن نسطوری «راهبانی از دربار قوبیلای قآن»^{۳۳} نیز می‌توانیم به وجود دو ساختمان دیگر در این مجموعه پی ببریم. یکی از این بناها ساختمان کلیسایی است که توسط دوغوز خاتون همسر هلاکو ساخته شده (Budge & Budge, 1928) و بنای دیگر ساختمانی است با نام شراب‌خانه که غازان در آن اقامت داشته است (Budge & Budge, 1928).

سرای سغورلوق: اقامتگاه بیلاقی سغورلوق، در شمال شرقی ایران و جنوب دریاچه ارومیه، در جایی قرار داشته

دلالت بر وجود سازه‌های ثابت و ساختواره در آن‌ها باشد (Hamedani, 1994; Kashani, 1969; Mustawfi, 2002). مقایسه این عنوان‌ها با نتایجی که از بررسی سرای‌های امپراطوران مغولی یوان به دست آمد، شاید بتواند به روشن شدن فرم مجموعه‌های سلطنتی یا همان سرای‌های عهد ایلخانان در ایران کمک کند. اقامتگاه‌های فصلی و مجموعه‌های سلطنتی عهد ایلخانی که در متون تاریخی از آن‌ها با پیشوند سرای یاد شده عبارتند از: سرای اولجایتو در سلطانیه، سرای سغورلوق در تخت سلیمان، سرای آلتاغ، سرای منصوریه، سرای سپاه کوه، سرای سجاس و سرای ارومیه. فقر منابع اطلاعاتی، هم در متون تاریخی و هم در مستندات باستان‌شناختی، ما را از تحلیل تمامی مجموعه‌های فوق ناتوان ساخته است. به همین دلیل، از میان آن‌ها تنها می‌توانیم چهار مجموعه آلتاغ، سغورلوق، منصوریه و سلطانیه را که نسبت به دیگر نمونه‌ها دارای اطلاعات تاریخی و باستان‌شناختی بیش‌تری هستند، به عنوان نمونه‌های موردی، بررسی و تحلیل نماییم.

سرای آلتاغ: اقامتگاه بیلاقی آلتاغ، در شرق ترکیه و در شمال دریاچه وان قرار داشته (Huff, 2006) که آن را می‌توان اولین استقرارگاه ثابتی دانست که ایلخانان در ایران بنا کرده‌اند. بر اساس مکتوبات تاریخی می‌توان این اقامتگاه را مجموعه‌ای مشتمل بر چندین بنا از جمله، بنای اصلی یا کاخ مرکزی مجموعه عنوان داشت. اظهار نظر در مورد ساختار این مجموعه به دلیل نبود مستندات باستان‌شناسی تنها در حد فرضیه بوده و قابل اثبات نیست، اما با توجه به زمان ساخت آن و همین طور سابقه مجموعه‌های سلطنتی خانان مغول، می‌توان شباهت‌هایی میان این مجموعه و مجموعه‌های پیشین ذکر شده قائل بود، مانند مرکزگرایی و استقرار مجموعه بناها دورتادور کاخ مرکزی، در داخل یک حصار.

خواجهر رشیدالدین ساخت این اقامتگاه را به هلاکو نسبت داده و عنوان داشته که هلاکو در اولین دیدارش از آلتاغ مجذوب آن شده و آن را لبتاساغوت نام کرده و در آنجا سرایی ساخته است. مصححان کتاب جامع‌التواریخ لبتاساغوت را مرکب از دو کلمه لبتا به معنی کامل و ساغوت از ریشه ساغو به معنی

ستون‌های چوبی بنا شده و همچنین ساختار پلکان ورودی بنا، می‌تواند مطابق با الگوی تالارهای چینی بازسازی شده باشد (Huff, 2006). با اینکه ساختار مجموعه بر اساس فرم حیاط‌های چهار ایوانی ایرانی طراحی شده، اما سه نکته رعایت شده در روند بازسازی، ساختار آن را به مجموعه‌های سلطنتی خانان مغول نزدیک ساخته است. اول اینکه، بازسازی اقامتگاه و امتداد مجموعه سابق به سمت جنوب به گونه‌ای انجام شده تا کاخ اصلی تقریباً در محور مرکزی مجموعه قرار بگیرد، که این امر تا حدودی بیانگر همان فرم مرکزگرای معهود در مجموعه‌های سلطنتی مغولی است. مورد دوم نیز خالی بودن سمت جنوبی اقامتگاه از هرگونه بنای اقامتی و اختصاص آن به ورودی مجموعه بوده که این امر نیز عیناً در اقامتگاه‌های دوره‌ای قآن در مغولستان و همچنین کوران‌های سنتی تکرار شده است^{۳۴}. بر اساس عقیده مغولان، سمت جنوب، نقطه مقدسی بوده و فقط جایگاه قرارگیری محل نیایش به تنگری خدای آسمان است (Nakhjavani, 2021; Bemmann & Reichert, 2021; Shiraiishi, 2006). علاوه بر این در دو سوی کاخ مرکزی در دو جبهه غربی و شرقی، دو ردیف ساختمان در امتداد حیاط مرکزی قرار گرفته‌اند. سرفراز و کیانی ساختمان‌های سمت غرب حیاط را مخصوص اقامت زنان خان فرض کرده و ساختمان‌های سمت شرق را به امرا و سران مغول متعلق دانسته‌اند (Sarfraz, 1968 & Kiani). این فرضیه نیز با شکل استقرار زنان و مردان در یورت‌های مغولی مشابه است، به‌صورتی که در یورت‌های فوق جایگاه خان در مرکز یورت بوده و زنان در یک سمت و مردان در سمت مخالف مستقر می‌شدند (Rubruck, 1990) (شکل ۵).

سرای منصوریه: اقامتگاه قشلاقی منصوریه در منطقه آران در شمال آذربایجان یکی از چندجایگاه توقف ایلخانان در این زمستان‌نشین محبوب به شمار می‌آمده است. از میزان اشارات تاریخی به سرای منصوریه می‌توان حدس زد که این مجموعه، هم‌رده سرای سغورلوق بوده، و به اندازه سرای آلتاق اهمیت نداشته است. در جامع‌التواریخ نام سرای منصوریه به‌عنوان اولین اقامتگاه قشلاقی ارغون، پس از دستیابی به سلطنت آمده است (Hamedani, 1994). بعد از

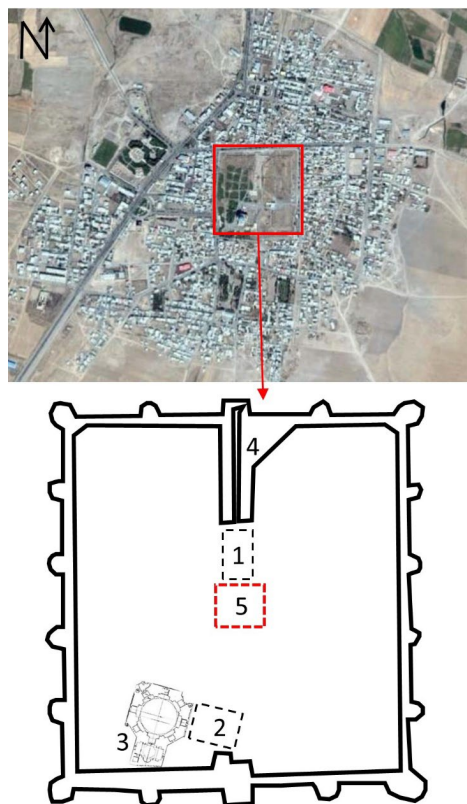
که امروزه به تخت سلیمان معروف است. بر اساس وجود مستندات باستان‌شناسی و همچنین گزارش‌های منابع مکتوب، می‌توان این مجموعه سلطنتی را اقامتگاهی عنوان داشت که ایلخانان تحت تأثیر اصول معماری ایرانی احداث کرده‌اند. با این حال حضور قواعد اصلی در ساخت اقامتگاه‌های خانان مغول در آن قابل‌پیگیری بوده که گویای حضور و نفوذ آن‌ها در طراحی مجموعه‌های سلطنتی این عصر است. این اقامتگاه، همچون مجموعه‌های سلطنتی پیشین خانان مغول مشتمل بر مجموعه‌ای از بناها بوده که در داخل یک حصار مرکزی تحدید می‌شده است. مستوفی در نزهت‌القلوب ساخت سرای بزرگ سغورلوق را به آباقا (۶۶۸-۶۸۰هـ.ق) نسبت داده (Mustawfi, 2002) و این در حالی است که در هیچ‌کجا از گزارش‌های جامع‌التواریخ، اشاره روشنی به اقامت آباقا در این مجموعه نشده است. در مقابل، ارغون به اقامت در سغورلوق راغب‌تر به نظر می‌آمده، به‌صورتی که خواجه‌رشیدالدین ضمن گزارش اقامت‌های چندباره او در این مجموعه، سغورلوق را به‌عنوان محل نسب سعدالدوله به وزارت اعلام کرده است (Hamedani, 1994). خواجه‌رشیدالدین این اقامتگاه را همچون آلتاق با عنوان عمومی سرای خطاب قرار داده است (Hamedani, 1994). مستوفی که اندکی مفصل‌تر این مجموعه را تشریح کرده، فرم آن را به‌صورت سرای بزرگ با صحنی مرکزی تصویر نموده است (Mustawfi, 2002). کاوش‌های باستان‌شناسی انجام‌شده در محوطه تخت سلیمان، مؤید تصویری است که مستوفی ارائه کرده. ایلخانان در داخل یک حصار وسیع، روی بقایای سازه‌های دوره ساسانی در این محوطه، مجموعه‌ای از چندین ساختمان را در چهار سمت یک حیاط مرکزی با ابعاد ۱۴۰ در ۱۲۰ متر برپا ساختند. در میان حیاط مرکزی، دریاچه بزرگی قرار داشته و ساختمان‌های اصلی مجموعه نیز به‌وسیله ایوان‌های متقارنی به حیاط مرکزی راه داشتند (Huff, 2006). در محور اصلی مجموعه، در جبهه شمالی، بنای تالار اصلی که گمان می‌رود همان کاخ مرکزی باشد قرار دارد. این سازه روی بقایای ساختمان کهن آتشکده دوره ساسانی ساخته شده و به عقیده پروفیسور هوف، به‌دلیل نوع سازه سقف که با مصالح چوبی و روی

به سرایی اشاره شده که ایلخان جهت خاصه خود، در داخل این محوطه ساخته بوده است. حافظ ابرو صحن میانی این سرا را صد گز در صد گز (۴۵ در ۴۵ متر) عنوان داشته و به استقرار ایوان‌هایی در دورتادور آن نیز اشاره کرده است. او همچنین به بنای کاخ دیوانخانه، یا همان کاخ پذیرایی اولجایتو در سرای ارگ پرداخته و ظرفیت آن را دویست نفر عنوان داشته است (Hafiz-i Abru, 1971).

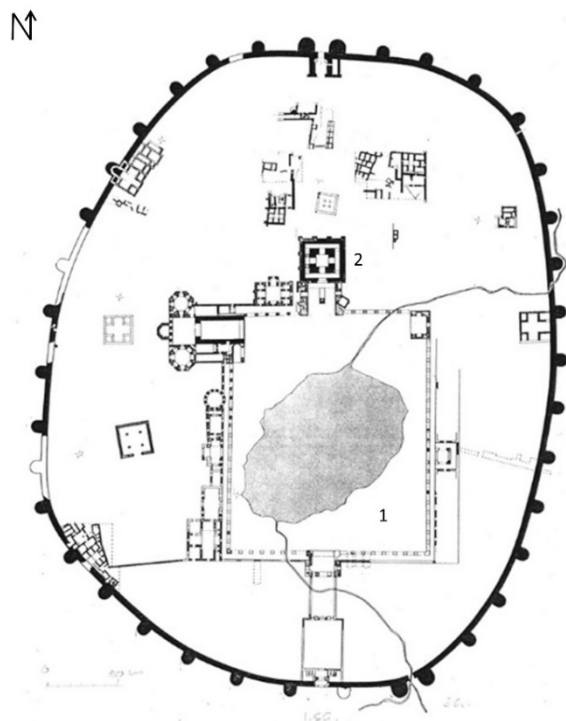
کاوش‌های باستان‌شناسی انجام‌شده در دهه‌های اخیر در محل شهر سلطانیه، منجر به شناسایی دیوارهای پیرامونی ارگ شد که به صورت یک حصار چهارگوش با دو دروازه شمالی و جنوبی احداث گردیده بود. علاوه بر این، در کاوش‌های فوق، مجموعه ابواب‌البر سلطانیه در جنوب محوطه ارگ نیز شناسایی شد. کاوش‌ها حاکی از آن بود که این مجموعه دارای صحنی مرکزی بوده که درست در شرق گنبد سلطانیه و متصل به ورودی دروازه جنوبی قرار داشته است. به غیر از گنبد سلطانیه در غرب حیاط، که تنها بنای باقی‌مانده از کلیت مجموعه بوده، بر اساس مستندات، در جبهه‌های دیگر این محوطه، بناهای دیگری واقع بوده که همگی متعلق به مجموعه ابواب‌البر ارگ بوده‌اند (Mirfatah, 1991, 2006). ادامه کاوش‌ها در طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱، منجر به کشف معبری رواقدار شد که از دروازه شمالی به یک محوطه باز در مرکز ارگ منتهی می‌شده است (Rezvan Ghahfarokhi & Karimain, 2017). ظاهر این محوطه و موقعیت قرارگیری آن در مرکز ارگ و شمال مجموعه ابواب‌البر، این احتمال را مطرح می‌سازد که محوطه فوق می‌تواند همان حیاط مرکزی سرای اولجایتو باشد. بر اساس حفاری‌هایی که تاکنون انجام‌شده، نمی‌توان به شکل کامل حیاط فوق و همچنین نوع استقرار ابنیه در اطراف آن پی‌برد (Blair, 1993; Hatf Naiemi, 2019) با این وجود اگر به استقرار رواق ورودی در شمال مجموعه ارگ سلطانیه توجه کنیم، محتمل‌ترین مکان برای استقرار کاخ مرکزی، جبهه جنوبی صحن بوده که در این صورت در مشابهت با فرم قرارگیری کاخ اصلی سغورلوق، این کاخ نیز تقریباً در مرکز ارگ سلطانیه قرار داشته است (شکل ۶).

اشاره فوق، دیگر در سرتاسر جامع‌التواریخ به اقامت ایلخانان در این سرای پرداخته نشده و تنها به گزارش بعضی از وقایع تاریخی در این مجموعه بسنده شده است. مانند مرگ تکنا تغتاول در سرای منصوریه اران در زمان گیخاتو (Hamedani, 1994) و یا شورش ارسلان اغول بر ضد غازان و پناه گرفتن او در سرای منصوریه اران. جایگاه این اقامتگاه را نیز بر اساس گزارش‌های فوق می‌توان در حدود شمال بیله‌سوار در جنوب‌شرقی جمهوری آذربایجان فرض کرد؛ زیرا در شرح داستان شورش ارسلان اغول، به حرکت او از بیله سوار واقع در جنوب اران به سمت سرای منصوریه و سپس مصاف میان طرفین در بیلقان که در شمال اران قرار داشته، اشاره شده است (Hamedani, 1994). به وسیله هیچ‌کدام از گزارش‌های فوق نیز نمی‌توان به فرم، ساختار و کارکرد ابنیه مستقر در سرای منصوریه پی‌برد. تنها با اتکا به گزارش کوتاهی از خواجه رشیدالدین که در آن به هزینه‌های سنگین ساخت این سرای پرداخته (Hamedani, 1994). می‌توان این استقرارگاه را مجموعه‌ای مشتمل بر چندین بنا فرض کرد، اما تا به دست آمدن مستندات بیش‌تر نمی‌توان در مورد فرم و تعداد ابنیه آن نظری ارائه داد.

سرای اولجایتو در سلطانیه: سرای شهر سلطانیه را شاید بتوان تنها مجموعه سلطنتی دانست که ایلخانان همچون مجموعه‌های سلطنتی قان در چین، در داخل یک شهر از پیش طراحی‌شده، ساخته‌اند. این سرای در داخل یک محوطه محصور و در قلب شهری قرار داشته که اولجایتو (۷۰۳ - ۷۱۶هـ.ق) در چمن قنقورالنگ یا ایقرئولن احداث کرده بود. منابع مکتوب عهد ایلخانی ضمن اشاره به قرارگیری این محوطه در مرکز شهر سلطانیه، بدون پرداختن به ذکر ابنیه سرای سلطان در داخل آن، تنها به گزارش ابنیه ابواب‌البر سلطانی مشتمل بر مدرسه، خانقاه، دارالشفاء، دارالضیافه و دارالحفاظ اکتفا کرده‌اند (Amuli, 2002; Kashani, 1969). تنها در گزارش حافظ ابرو (قرن هشتم و نهم هـ.ق) است که می‌توانیم ردی از ابنیه سرای اولجایتو در داخل محوطه ارگ سلطانیه بیابیم. در این گزارش، علاوه بر مجموعه ابواب‌البر در داخل ارگ، صراحتاً



شکل ۶. شهر سلطانیه و ارگ سلطانیه ۱- محل احتمالی حیاط سرای اولجایتو ۲- حیاط ابواب البر ۳- گنبد سلطانیه ۴- معبر شاهی ۵- مکان احتمالی کاخ مرکزی (نگارندگان).



شکل ۵. سغورلوق ۱- حیاط مرکزی مجموعه ۲- آتشکده ساسانی و تالار مرکزی مجموعه در دوره ایلخانی (Huff, 2006).

تحلیل ساختار مجموعه‌های سلطنتی ایلخانان مغول

ویژگی‌های مجموعه‌های سلطنتی ایلخانان مغول را که در متون فارسی با عنوان عمومی سرای مورد اشاره قرار گرفته‌اند از قرار زیر می‌توان تحلیل کرد:

فاصله قرارگیری: به‌غیر از سرای سلطانیه که در داخل شهر واقع بوده، سایر سرا‌هایی که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شد، در فاصله دور از شهرها و در مسیر حرکت‌های دوره‌ای ایلخانان واقع بوده‌اند.

ساختار سرا‌ها: اکثر سرا‌های بررسی‌شده، در درجه اول، مجموعه‌هایی مشتمل بر چندین بنای اصلی و فرعی بوده‌اند. به‌جز سرای سغورلوق و سلطانیه که بر پایه مستندات باستان‌شناختی و تاریخی، می‌توان به استفاده از ساختار چهار

ایوانی در آن‌ها پی برد، از دو مجموعه دیگر اطلاعاتی دال بر وجود این ساختار در نحوه چینش ابنیه در دست نیست. با این حال باید به این نکته اشاره کرد، که با اینکه در دو مجموعه سغورلوق و سلطانیه، از فرم چهارایوانی برای استقرار ابنیه استفاده شده، استقرار کاخ اصلی در مرکز مجموعه، همانند مجموعه‌های سلطنتی خانان مغول، مورد توجه بوده و منجر به ارائه همان ساختار طراحی مرکزگرا شده است. البته باید به این امر اشاره داشت که پیگیری و اثبات این موضوع نیازمند مطالعات باستان‌شناسی بیش‌تر است.

مسئله محصوریت: هر دو سرای سلطانیه و سغورلوق را می‌توان بر مبنای مستندات باستان‌شناسی، مجموعه‌های

مجموعه‌های کهن‌تر برپا شده‌اند. سغورلوق روی ویرانه‌های یک مجموعه متعلق به عصر ساسانی (۲۲۴ - ۶۵۱ م) و آلتاق بر ویرانه‌های یک مجموعه متعلق به شاهان اشکانی ارمنستان، موسوم به آرساسیدها (۵۳ پ.م - ۴۲۸ م) احداث شده است (Masuya, 2002) (شکل ۷).

محصور در داخل دیوارهایی عظیم عنوان داشت که این امر قابل‌تعمیم به دو سرای دیگر نیز هست.

برپایی سرای‌ها روی بقایای مجموعه‌های کهن‌تر:
هر دو مجموعه سرای سغورلوق و سرای آلتاق روی بقایای



شکل ۷. سرای‌های سلطنتی دوره ایلخانی (نگارندگان).

نتیجه‌گیری

مجموعه‌های فوق بر اساس تعداد ابنیه اصلی مستقر در آن و یا فاصله قرارگیری آن‌ها از شهرهای اصلی به سه نوع، گونگ، گونگ‌چنگ و ژینگ‌گونگ تقسیم می‌شده‌اند. مجموعه‌های سلطنتی ایلخانان که در منابع ایرانی از آن‌ها با عنوان سرای نام‌برده شده را نیز می‌توان همانند مجموعه‌های امپراطوران مغول، اقامتگاه‌هایی متشکل از چندین بنای اصلی و فرعی عنوان کرد که در داخل یک حصار دفاعی منظم استقرار می‌یافته‌اند. این مجموعه‌ها با اینکه بر اساس ساختار چهار ایوانی معماری ایرانی طراحی

مجموعه‌های سلطنتی امپراطوران مغول را که در منابع چینی از آنها با عنوان گونگ و در منابع ایرانی با عنوان سرای نام برده شده را می‌توان مجموعه‌هایی عنوان کرد که اولاً در داخل یک حصار دفاعی قرار داشته‌اند و ثانیاً متشکل از چندین بنای اصلی و فرعی بوده که در گرداگرد یک بنای مرکزی، موسوم به کاخ مستقر می‌شدند. در این ساختار، اصلی‌ترین خصیصه، استقرار کاخ در میانه محوطه و قرارگیری سایر ابنیه در دورتادور آن بوده که آن را می‌توان منبعث از فرم مرکزگرای کوران‌های مغولی مفروض داشت.

۴. shiji: «روایت مورخ بزرگ» که با نام شیجی شناخته می‌شود، شامل روایتی است از تاریخ چین باستان که در حدود سال ۹۱ پیش از میلاد توسط سیما کیان نگارش آن به اتمام رسیده است.

۵. 後漢書 هو هان شو یا تاریخ هان متأخر شامل تاریخ دودمان هان شرقی (۲۰۰ پ.م تا ۲۲۰ م) است که در قرن پنجم م بر مبنای منابع کهن به دست فان‌یه گردآوری شده است.

6. Long cheng 龍城

7. Khar balgas

8. Khar khul khany balgas

9. Longting 龍庭

10. Avraga

11. Khenti

12. Heida shilüe 黑韃事略 "Short notes on the Black Tartars" is a [southern song period](#) 北宋 (1127-1279) account on the [Mongols](#) and their customs.

13. Wan'an gong 萬安宮

14. Kaipingfu

15. Shangdu

16. Zhou Boqi 周伯琦 (1298–1369)

17. Shuijing dian 水井店

18. Kuizhang Ge 奎章閣

19. Da'an Ge 大安閣

20. Dolon-Nor

21. Hebei

22. Huang cheng 黃城

23. Da cheng 大城

24. Taiye Chi

25. Yanchun ge 延春閣

26. Daming dian 大明殿

27. Xingsheng Gong 宮興生

شده‌اند، اما بر مبنای شواهد، اصل قرارگیری کاخ مرکزی در میان اقامتگاه، در آن‌ها نیز قابل پیگیری است که نیازمند کاوش‌های باستان‌شناسی بیش‌تر است. مجموعه‌های سلطنتی ایلخانان به دو دسته مجموعه‌های داخل شهر و خارج از شهر تقسیم می‌شده‌اند و نمی‌توان تفاوت بسیار محسوسی میان آن‌ها، به دلیل کمی مستندات باستان‌شناسی بیان داشت.

در نهایت اگر بخواهیم به تفاوت‌ها و تشابهات میان این مجموعه‌ها پردازیم، باید چنین گفت که، گونگ و سرای به اقامتگاه‌هایی گفته شده که مشتمل بر چندین بنای اصلی و فرعی، مستقر در یک محوطه محصور بوده‌اند. با اینکه ساختار مرکزگرا را در هر دو گونه گونگ و سرای می‌توان پیگیری کرد، اما ساختار سرای‌های ایرانی بر اساس حیاط‌های چهار ایوانی و ساختار گونگ‌های مغولی بر اساس استقرار کاخ در مرکز محوطه تعریف می‌شده است. استقرار سرای سلطانی، در داخل شهر با فرم استقرار گونگ‌چنگ‌های قآن در دایدو و شانگدو تا حدودی مشابه است. همچنین قرارگیری سرای‌های آلاتاغ، سغورلوق و منصوریه به دلیل استقرار در فاصله دور از شهرها و استفاده دوره‌ای از آن‌ها، قابل قیاس با ژینگ‌گونگ‌های مغولی است.

سپاسگزاری

وجود ندارد.

منابع مالی

وجود ندارد.

تعارض منافع

بین نویسندگان تعارضی در منافع وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها

1. Gong cheng 宮城

2. Xinggong 行宮

3. Curia

۳۴. به‌عنوان مثال می‌توان به اقامتگاه‌هایی همچون دویتان‌بالگاس، اردوگاه مرکزی چنگیز در آوراگا و همین‌طور اقامتگاه اصلی قآن در قراقوروم، در خاک مغولستان و همچنین گونگ‌چنگ قآن در دایدو و قرشی‌لنگ‌تن در حومه‌شانگدو در خاک چین اشاره کرد که در همگی، سمت جنوبی خالی از هرگونه بنای اقامتی بوده است.
(Shairraishi, 2004: 110; Masuya, 2103: 244-246)

References

- Al-Rugadi, A. N. (2011). *al-Avamir al-Alaiyye fi al-umori al-Alaiyye: Tarikh-i Ibn-Bibi* (J. Mottahedin, Ed.). Tehran: Pajiheshgah-i olum-i Ensani.
- Amuli, M. (2002). *Nafayis al-Funun fi 'Arayis al-Uyun* (A. Shirani, Ed.). Tehran: Islamiyya.
- Becker, E. (2012). Karakorum: Fragen zum stadtplan. *Zentralasiatische Studien*, 41, 43-88.
- Beheshti, M., & Qayyoomi Bidhendi, M. (2009). *Dictionary of Iranian architecture in Persian reference book*. Tehran: Matn.
- Bemmann, J., Ahrens, B., Grützner, C., Klinger, R., Klitzsch, N., Lehmann, F., & Saran, S. (2011). *Geoarchaeology in the steppe: first results of the multidisciplinary Mongolian-German survey project in the Orkhon valley, central Mongolia*. *Studia Archaeologica Instituti Archaeologici Academiae Scientiarum Mongolicae Fasciulus*. (Vol. XXX).
- Bemmann, J., & Reichert, S. (2021). Karakorum, the first capital of the Mongol world empire: an imperial city in a non-urban society. *Asian Archaeology*, 4(2), 121-143.
- Blair, S. S. (1993). The Ilkhanid Palace. *Ars orientalis*, 23, 239-248.
- Blake, R. P., & Frye, R. N. (1949). History of the Nation of the Archers (The Mongols) by Grigor of Akanc. Hitherto Ascribed to Matak, ia The Monk: The Armenian Text Edited with an English Translation and Notes. *Harvard Journal of Asiatic Studies*, 269-399.
28. Longfu Gong 隆福宮
29. Jinshan Xinggong 伯亦兒行宮
30. LiulinXinggong 柳林行宮
31. Grigor of Akanc
32. "Then he ordered the palace erected for himself at great expense" (Blake & Frye, 1949: 343).
33. The monks of Kublai Khan
- Boyle, J. A. (1972). The seasonal residences of the great khan Ögedei. *Central Asiatic Journal*, 16(2), 125-131.
- Budge, E. A. W., & Budge, E. A. T. W. (1928). *The Monks of Kublai Khan, Emperor of China*. London: Religious tract society.
- Garakani Dashteh, S., & Mortezaei, M. (2020). The Architectural Components of an Urban Community in a Nomadic Community, Based on Written Sources and the Results of Archaeological Excavations in Karakorum. *Athar*, 41(2), 156-177.
- Goodwin, G. (2009). *A History of Ottoman Architecture* (A. Eshraghi, Trans.). Tehran: Matn.
- Hafiz-i Abru, S. (1971). *Zayl-i Jami' al-Tawarikh-i Rashidi* (K. Bayani, Ed.). Tehran: Anjuman-i Athar-i Milli.
- Hamedani, R. (1994). *Djami El-Tavarikh* (M. Roshan, Musavi, M, Ed.). Tehran: Alborz.
- Hassandoust, M. (2020). *An etymological dictionary of Persian language*. Tehran: Farhangestan-i Zaban va Adab-i Farsi.
- Hatef Naiemi, A. (2019). *A dialogue between friends and foes: transcultural interactions in Ilkhanid capital cities (1256-1335 AD)* (Doctoral dissertation) University of Victoria.
- Hatef Naiemi, A. (2020). The Ilkhanid City of Sultaniyya: Some Remarks on the Citadel and the Outer City. *Iran*, 1-30.

- Huff, D. (1987). *Takht-i Soleyman, The cities of Iran* (M. Y. Kiani, Ed. Vol. 3). Tehran: Jahad-i Daneshgahi.
- Huff, D. (2002). *Takt-e Solaymān. Encyclopædia Iranica*.
<http://www.iranicaonline.org/articles/takt-e-solayman>
- Huff, D. (2006). The Ilkhanid Palace at Takht-1 Sulayman: Excavation Results. In *Beyond the legacy of Genghis Khan* (pp. 94-110). Brill.
- Hüttel, H.-G. (2009). Royal palace or Buddhist temple? On search for the Karakorum palace. *Current Archaeological Research in Mongolia. Bonn: Rheinische Friedrich-Wilhelms-Universität Bonn, 355-548*.
- Hüttel, H. G., & Erdenebat, U. (2011). *Karabalgasun and Karakorum. Two late nomadic urban settlements in the Orkhon Valley*.
- Joweyni, A. (2008). *Tarikh-i Jahangushay* (M. Qazvini, Ed.). Tehran: Negah.
- Kashani, A. (1969). *Tarikh-i Oljeytu* (M. Hambly, Ed.). Tehran: Bungah-i Tarjuma va Nashr-i Kitab.
- Kleiss, W. (2006). *Architecture of a Mongolian building on the Sassanid walls along the river, Bisutun: Ausgrabungen und Forschungen in den Jahren 1963-1967* (W. W. Kleiss, & Calmeyer, P, Ed.). Tehran: Sazman-i miras-i Farhangi.
- Luschey, H. (1990). Bisotun II. Archaeology. *Encyclopedia Iranica, Yarshater, E (ed), 4, 289-299*.
- Masuya, T. (2002). *The legacy of Genghis Khan: courtly art and culture in Western Asia, 1256-1353* (L. Komaroff & S. Carboni, Eds.). Metropolitan Museum of Art.
- Masuya, T. (2013). 6. Seasonal Capitals with Permanent Buildings in the Mongol Empire. In *Turko-Mongol Rulers, Cities and City Life* (pp. 223-256). Brill.
- Mirfattah, A. (1991). *Soltaniyeh, The cities of Iran* (M. Y. Kiani, Ed. Vol. 4). Tehran: Jahad-i Daneshgahi.
- Mirfattah, A. (1995). *Soltaniyeh. Miras-i Farhangi, 13, 15-25*.
- Mirfattah, A. (2006). *Excavation reports in Soltaniyeh plain*. unpublished.
- Mohajerinejad, A. (2009). *Report on the excavations of the first season of Friday Mosque*. unpublished.
- Mustawfi, H. (2002). *Nuzhat al-Qulub* (M. Muhammad Dabir-Siyaqi, Ed.). Qazvin: Hadith-i Imruz.
- Nakhjavani, M. (1976). *Dastur al-Katib fi Ta'yin al-Maratib* (A. Alizadieh, Ed.). Moscow: The Oriental Institute of Azerbaijan.
- Pohl, E. (2007). *Interpretation without excavation: Topographic mapping on the territory of the first Mongolian capital Karakorum* Current Archaeological Research in Mongolia. Papers from the First International Conference on "Archaeological Research in Mongolia",
- Pohl, E. (2010). The Excavations in the Craftsmen-Quarter of Karakorum (KAR-2) between 2000 and 2005—Stratigraphy and Architecture, Mongolian-German Karakorum expedition. *Wisbaden, 1, 63-136*.
- Pohl, E., Mönkhbayar, L., Ahrens, B., Frank, K., Linzen, S., Osinska, A., & Schneider, M. (2012). Production sites in Karakorum and its environment: a new archaeological project in the Orkhon Valley. *Mongolia. The Silk Road, (10), 49-65*.
- Polo, M. (1984). *The book of sir Marco Polo the Venetian* (H. Golbang, Ed.). Tehran: Kushesh.
- Rezvan Ghahfarokhi, H., & Karimain, H. (2017). *Soltaniyeh: Fall and Rise of a Capital*. Tehran: Jahad-i Daneshgahi.
- Rogers, J. D. (2017). Inner Asian polities and their built environment. *Archaeological Research in Asia, 11, 1-14*.
- Rogers, J. D., Ulambayar, E., & Gallon, M. (2005). Urban centres and the emergence of empires in Eastern Inner Asia. *antiquity, 79(306), 801-818*.
- Rubruck, W. (1990). *The Mission of friar William of Rubruck* (P. Jackson, Ed.). London: Hakluyt Society.
- Sarfaraaz, A., & Kiani, Y. (1968). *Takht-i Soleyman*.
- Shami, N. (1984). *Zafanamah* (P. Semnani, Ed.). Tehran: Bamdad.

- Shams, S. (2010). *Traditional Dictionary of Iranian Architecture*. Thran: Elm va Danesh.
- Shiraishi, N. (2004). Seasonal migrations of the Mongol emperors and the peri-urban area of Kharakhorum. *International Journal of Asian Studies*, 1(1), 105-119.
- Shiraishi, N. (2006). Avraga Site: The 'Great Ordū' of Genghis Khan. In *Beyond the Legacy of Genghis Khan* (pp. 81-93). Brill.
- Steinhardt, N. S. (1983). The plan of Khubilai Khan's imperial city. *Artibus Asiae*, 44(2/3), 137-158.
- Steinhardt, N. S. (1988). Imperial architecture along the Mongolian road to Dadu. *Ars orientalis*, 18, 59-93.
- Steinhardt, N. S. (1999). *Chinese imperial city planning*. Hawaii: University of Hawaii Press.
- Velayati, R., Karamipour, H., & Saadati Rad, F. (2019). Formation, Development and Collapse of Ujan Islamic City, According to Comparative Studies on Sources and Archaeological Excavations. *richt-mbp*, 3(7), 95-114. <https://doi.org/10.30699/PJAS.3.7.95>
- Velayati, R., & Saadatirad, P. (2018). *The First Excavation Season in the Historic City of Ojan, the Summer Capital of the Ilkhans in Azerbaijan* Reports of the 15th Annual Iranian Archaeological Conference,
- Waugh, D. C. (2010). Nomads and Settlement: New Perspectives. *Silk Road*, 8, 97-124.
- Wilber, D. N. (1986). *Islamic architecture of Iran in the Ilkhanate period*. Tehran: Elmi va Farhangi.
- Yuan, S. (1976). *Yuan shi 元史 [History of the Yuan]* (S. Zhonghua, Ed. Vol. 15). Beijing: Zhonghua